

# راز عجیب باند کاسکو در تهران ...



**چرا پیشنهادر پذیرفتی؟**  
واقعاً نمی دانم ولی وقتی دیدم دوستانت می خواهند دزدی کنند من هم با آنها همراه شدم.

**از دواج کردی؟**  
بله

**فکر می کردی دستگیر شوی؟**  
نه

**با پول ها چه کردی؟**  
هنوز کاری نکرده بودم و منتظر بودم شرایط عادی شود و بعد پول ها را خرج کنم که دستگیر شدم.

**توصیه پلیسی**  
سرهنگ داوود فرد جاننشین پلیس آگاهی تهران گفت: در این پرونده مالیاتخته همراه همسر و سرایدار که داخل خانه بودند از سوی این ۳ جوان به اسارت گرفته شده و پس از بستن دست و پاهای آنها اقدام به سرقت میلیونی از داخل خانه می کنند که مأموران پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران با اقدامات پلیسی و فنی موفق به شناسایی نفر اصلی این باند شده که پس از دستگیری وی دیگر اعضای باند نیز دستگیر شدند. وی افزود: شهرندان توجه داشته باشند این افراد خارج از ساعت غیر متعارف به در خانه مراجعه کرده اند که اگر به این نکته توجه می شد این افراد موفق به ورود نمی شدند. سرهنگ داوود فرد ادامه داد: از افراد حتماً کارت شناسایی و مجوز ورود گرفته شود و در صورت مخالفت حتماً با پلیس ۱۱۰ تماس گیرند.

جاننشین پلیس آگاهی تهران عنوان کرد: در زمان استخدام افراد به عنوان سرایدار یا پرستار حتماً از مراجع ذیصلاح تاییده گرفته شود.

زندان بودم که تیرنه شدم.  
**شغل؟**  
با موتور کار می کردم.

**چرا دزدی؟**  
صاحبخانه گفته بود ۶ ماه دیگه می خواهد خانه اش را بازسازی کند و من باید از آنجا بلند می شدم چون پول رهن و اجاره نداشتم دست به سرقت زدم.

**فکر می کردی دستگیر شوی؟**  
بله

**شنیدیم به اهواز فرار کردی؟**  
با همسر و فرزندم به سفر رفته بودیم، وقتی به تهران بازگشتیم یکی از بچه محل ها به من زنگ زد و اعلام کرد که مسعود دستگیر شده و همانجا تصمیم به فرار گرفتم و به اهواز رفتم اما خیلی زود دستگیر شدم.

**ارزشش را داشت؟**  
نه. آزاد شوم کارگری می کنم اما دیگر دست به این کار نمی زنم.

**سرت احقانه**  
حسن ۲۸ ساله که شرایط مالی و کاری خوبی دارد وقتی دوستش پیشهاد سرقت داد بدون هیچ حرفی پذیرفت و بعد از دستگیری می گوید یک کار احقانه کردم.

**سابقه داری؟**  
نه

**شغل؟**  
همکار مسعود هستم و در یک اداره کار می کردم.

**پس چرا دزدی؟**  
کار احقانه ای بود که انجام دادم.

که زن مسن بالای در خانه را باز کرد و حسن او را گرفت و در ادامه ما هم به کمکش رفتیم و زوج میانسال را همراه سرایدار داخل خانه زندانی کردیم و به همه جای خانه را گشتیم.

**چه وسایلی سرقت کردی؟**  
لب تاب، ۱۱ چک میلیونی امضا شده و ۴ کارت بانکی، شارژ، گوشی موبایل.

**چقدر پول به دست آوردی؟**  
نزدیک ۱۲ میلیون تومان پول نقد هم هر یک از ما شد.

**با پول سرقتی چه کردی؟**  
یک کاسکو به قیمت ۹ میلیون تومان خریدم.

**یعنی دغدغه زندگی ات کاسکو بود؟**  
قرص متادون خورده بودم و نمی دانستم چه کار می

**گروه حوادث** – پسر جوان در یک سناریوی ماهرانه و در نقش کارمندان یک ارگان خدمات مردمی به خانه ویلایی در منطقه قلهک ورود کرده و پس از بستن دست و پاهای زوج میانسال و سرایدار دست به سرقت میلیونی زدند. ۳۰ فروردین ماه امسال بود که زنگ خانه ویلایی در منطقه قلهک به مأموران کلانتری ۱۲۴ قلهک مخابره شد و تیمی از مأموران برای بررسی موضوع در محل حاضر شدند. مأموران با حضور در خانه ویلایی اطلاع پیدا کر دند که ۳ سارق جوان در نقش یک سازمان خدمت رسان به مردم به خانه زوج مسن مراجعه کرده و پس از بستن دست و پاهای سرایدار و اعضای داخل خانه دست به سرقت میلیونی زده اند. با توجه به حساسیت موضوع تیمی از مأموران پایگاه ۳ پلیس آگاهی تهران برای تحقیقات ویژه وارد عمل شدند و کار آگاهان در گام نخست زوج پیر اهداف تحقیق قرار دادند. زن ۷۵ ساله به مأموران گفت: داخل خانه بودیم که صدای زنگ خانه به صدا در آمد، پسر جوانی خود را کارمند یک ارگان خدمات رسان معرفی کرد که سرایدار باغ به جلو در رفت. دقایقی گذشت که ناگهان صدای در خانه آمد که به جلوی در رفتم که در این صحنه پسر جوان با تهدید مرا به داخل خانه کشاند و مهندسانش همراه با سرایدار که دست و پاهایش بسته شده بود به داخل خانه شدند.

این زن ادامه داد: در زمان دست و پاهایمان را بستند و در ادامه داخل خانه شروع به جستجو کردن که ۱۱ چک امضا شده میلیونی و لب تاب و کارت بانکی مان را سرقت کردند و یکی از آنها با کارت های بانکی از خانه خارج شد و با اطمینان از رمز کارت ها به خانه بازگشت و سپس با همداستانش و وسایلی سرقتی پا به فرار گذاشتند.

## دوئل مرگبار ۲ پسر ۱۷ ساله به خاطر عشق به یک دختر

**گروه حوادث** – درگیری خیابانی ۲ پسر نوجوان که عاشق یک دختر بودند در تهران جنایت هولناکی را رقم زد.

نخستین ساعات بامداد چهارشنبه ۷ خرداد مرد جوانی در حال عبور از کنار باغ مترو که ای نزدیک یکی پل مدیریت در شمال غرب تهران بود که متوجه صدای ناله ای شد. او در گرگ و میش هوا ناگهان متوجه پسر نوجوانی شد که خونین روی زمین افتاده است.

مرد جوان بلافاصله موضوع را به پلیس و اورژانس اعلام کرد و تا رسیدن تیم امداد، جمعیت زیادی دور پسر نوجوان جمع شدند.

لحظاتی بعد مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب و امدادگران بالای سر پسر نوجوان رسیدند و در همین حال صدای فریاد زن جوانی به گوش رسید که مدام می گفت: بالاخره پسر من جانم را به خاطر این دختر داد.

با اظهارات زن جوان، هویت پسر زخمی نیز بر ملا و بلافاصله او به بیمارستان منتقل شد. سهیل از ناحیه ران پا بازو و قلب بشدت خونریزی داشت و همین موضوع باعث شد تا ساعاتی بعد از انتقال به بیمارستان تسلیم مرگ شود.

به دنبال مرگ سهیل، ساعت ۸:۰۹ صبح چهارشنبه، گزارش این جنایت از سوی مأموران کلانتری شهرک غرب به باز پرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد. در نخستین گام تحقیق مادر سهیل گفت:

پسرم قربانی عشقش شد، او مدتی است که با پدرام، پسری همسن و سال خودش اختلاف پیدا کرده است.

سهیل بسیاری من زیاد حرف نمی زد اما از صحبت های من متوجه شده که دل به دختری بسته است و درگیری اش هم با پدرام سر همین دختر بود. شب حادثه عصبانی و هراسان بعد از یک تماس تلفنی که به نظر بسا پدرام بود، خانه را ترک کرد. نگرانش شدم و چندین بار با تلفن همراهش تماس گرفتم اما پاسخ نداد.

ساعت حدود دو بامداد بود که از پسرم خبری نشد و من نگران و دلواپس به خیابان رفتم تا شاید خبری از او بگیرم. یکدفعه در کنار باغ مترو که ای در زیر پل مدیریت متوجه جمعیتی شدم. خودم را به آنجا رساندم و با بدن نیمه جان پسر ۱۷ ساله ام رویه رو شدم.

با اطلاعاتی که زن جوان در اختیار تیم جنایی قرار داد، بلافاصله آنها راهی خانه پدرام در محدوده اتوبان باکری نشده و پسر ۱۷ ساله را در خانه اش دستگیر کردند. پدرام در تحقیقات اولیه به درگیری خونین و قتل سهیل اعتراف کرد. با توجه به اینکه سن متهم زیر ۱۸ سال بود به دستور باز پرس شفاهی از شعبه پنجم دادسرای امور جنایی تهران، پرونده او برای رسیدگی به دادسرای اطفال فرستاده شد.

**گفت و گو با متهم**  
**شب حادثه چه اتفاقی افتاد؟**

## ملاقات های مخفیانه با آرتین، دختر مشهدی را به خاک سیاه نشانند

گیاهی است و اعتیاد آور نیست. از سوی دیگر، پدر و مادر مرا آزاد گذاشته بودند و من به تقلید از فرهنگ غرب بی پرده سیگارم را در حضور آنان آتش می زدم و از نظر مالی نیز کمبودی نداشتم تا این که روزی هنگام رفتن به کلاس آموزش زبان خارجی با پسری به نام «آرتین» آشنا شدم. من که شیفته جذابیت ظاهری و تیپ و قیافه او شده بودم، بلافاصله شماره تلفنم را در اختیارش گذاشتم و این گونه روابط پنهانی ما آغاز شد و چند روز بعد هم به دیدارهای مخفیانه در مکان های خلوت کشید.

در یکی از همین ملاقات های پنهانی، «آرتین» مشروبات الکلی به من تعارف کرد و بعد از آن هم طعمه هوس های شیطانی او شد.

هنوز یک ماه بیشتر از این آشنایی شوم نگذشته بود که فهمیدم آرتین قصد ازدواج با مرا ندارد و من فقط بازیچه هوسرانی های او هستم، به همین دلیل در حالی که به دختری افسرده و گوشه گیر تبدیل شده بودم، به این ارتباط شیطانی پایان دادم و ساعت ها به سرنوشت سیاه خود گریستم. با آن که در درگیر اعتیاد شدید بودم اما خانواده ام همچنان مرا رها کرده بودند و

خلاصه من، دو برادر دیگرم از هر نوع امکانات رفاهی و تفریحی برخوردار بودیم و در بهترین منطقه شهر سکونت داشتیم.

روژگار به ما می چرخید و من هم سوار بر خودروی گران قیمت خارجی به همراه دوستانتان به تفریح و خوش گذرانی می پرداختم و آن ها را در بهترین رستوران های شهر به مهمانی دعوت می کردم تا این که وقتی امتحانات سال آخر دبیرستان به پایان رسید، پدر و مادرم تصمیم گرفتند برای گذرانیدن تعطیلات تابستانی به انگلستان سفر کنیم تا خستگی امتحانات از تنم بیرون برود. این بود که بار و بندیل مان را بستیم و عازم بیرمگام انگلستان شدیم. من که دختری کنجکاو و پر شور بودم از هسان ابتدای ورود به هتل به دنبال ماده مخدر ماری جوانا رفتم تا آن چه را شنیده بودم تجربه کنم و خیلی زود مصرف آن را آغاز کردم به طوری که بهترین تفریح من مصرف این گیاه در حضور پدر و مادرم بود. وقتی با پایان تعطیلات به ایران بازگشتم، من همچنان از طریق یکی از دوستانم به ماری جوانا و بنگ دسترسی پیدا کردم و به مصرف آن ادامه دادم چرا که تبلیغات در فضای مجازی نشان می داد این ماده مخدر

**گروه حوادث** – دختر ۲۴ ساله مشهدی وقتی با پسری به نام آرتین آشنا شد تمام ثروت و ارضیه اش را برای کنشیدن ماری جوانا به باد داد.

دیگر به آخر خط رسیدم و ام چیزی برای باختم ندارم. باورم نمی شود فقط در طول چهار سال این گونه زندگی ام زیر و رو شود و از آن همه ناز و نعمت به دره فلاکت و بدبختی سقوط کنم تا جایی که مجبور شوم.

زن ۲۴ ساله ای که هنگام فروش و توزیع مواد مخدر در یکی از پارک های مشهد توسط نیروهای انتظامی دستگیر شده است، در حالی که بیان می کرد آشنایی با ماده مخدر ماری جوانا مرا به روز سیاه نشانند، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری شهرک ناجای مشهد گفت: در یک خانواده مرفه به دنیا آمدم متوجه شدم که سهیل خونین روی زمین افتاده است. ترسیده بودم و پا به فرار گذاشتم.

**با محیا چطور آشنا شدی؟**  
در یک گروه تلگرامی آشنا شدم. همسن و سال خودم است تا به حال هیچ دختری را به اندازه او دوست نداشتم.

می خواستم بسا او دواج کنم اما سهیل با حضورش تمام نقشه های مرا بهم زده بود. زندگی من و سهیل به خاطر یک عشق نابود شد.

# نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)

سایت: www.eghtesad-kish.ir

 <p><b>استخدام خدمات مفقودی خرید و فروش و ...</b></p>	<p><b>نیازمندیهای اقتصاد کیش</b> ۴۴۴۲۴۹۹۹ ۴۴۴۲۰۲۸۴</p>	<p><b>به نیروی خدماتی خانم/آقا با سواد نیازمندیم</b> ۴۴۴۲۰۲۸۳ ساعت کار ۸ الی ۳ عصر</p>	<p><b>استخدام</b></p>
<p><b>حمل بار در سطح جزیره با شش چرخ فقط با یک تلفن باقری ۰۹۳۴۷۶۹۲۶۳۵</b></p>	<p><b>تعمیرات تخصصی انواع کولر گازی – یخچال – لباسشویی</b> ۰۹۳۴۷۶۹۰۵۲۵</p>	<p><b>نیازمندیهای اقتصاد کیش</b> ۴۴۴۲۴۹۹۹ ۴۴۴۲۰۲۸۴</p>	<p><b>به چند نفر نیروی خانم برای کار عکاسی ویا علاقه مند به عکاسی با روابط عمومی بالا (با حقوق بسیار عالی) نیازمندیم</b> شماره تماس ۰۹۳۵۵۴۱۵۲۶۵</p>
<p><b>تاسیسات ساختمان آب-برق-کلیه امور کلی و جزئی توانا ۰۹۱۷۹۴۹۰۸۳۱</b></p>	<p><b>تاسیسات برق ساختمان و نصب لوستر فوری با یک تلفن ۰۹۱۰۳۹۶۸۰۳۵</b></p>	<p><b>به دو نفر نیروی آقا (میزبان رستوران) و (کمک آشپز) برای کار در هتل سه ستاره در کیش نیازمندیم</b> شماره تماس: ۰۷۶۴۴۴۶۷۵۰۲ الی ۰۷۶۴۴۴۶۷۵ ساعت تماس ۹ الی ۱۸</p>	<p><b>به یک نفر خانم با تحصیلات کارشناسی گردشگری جهت کار در امور اداری هتل نیازمندیم</b> ۰۹۳۴۷۶۹۳۰۲۸ ۰۹۱۲۳۰۸۶۸۹۸</p>
<p><b>نصب لوستر فوری ۰۹۳۸۵۷۵۰۸۶۷</b></p>	<p><b>نقاشی ساختمان کلی و جزئی بابایی ۰۹۳۴۷۶۹۴۳۱۸</b></p>	<p><b>خدمات در مغازه خود، از ترکیه راحت خرید کنید و در کیش تحویل بگیرید. (عمده)</b></p>	<p><b>منشی خانم مسلط به کامپیوتر و آشنا به دفتر مهندسی</b> شماره تماس ۰۹۱۲۳۷۲۳۷۸۹</p>
<p><b>مفقودی</b></p>	<p><b>تاسیسات ساختمان آب-لوله کشی-کلی و جزئی رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴</b></p>	<p><b>با بهترین قیمت تلگرام و واتساپ ترکیه: ۰۰۹۰۵۵۲۶۱۲۶۳۱۰ ایران: ۰۹۱۰۹۰۸۲۹۲۶ محسنیان</b></p>	<p><b>منشی خانم مسلط به کامپیوتر و آشنا به دفتر مهندسی</b> شماره تماس ۰۹۳۹۴۰۱۹۵۱۹</p>

به منظور رفع نیازهای روزمره شما هر روزدهها آگهی در نیازمندیهای روزنامه اقتصاد کیش چاپ می شود.

از آنجایی که این رسانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیازمندیهای شهروندان می پردازد لذا مسئولیتی درباره محتوای آگهی ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، باروش های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.

**شهروند گرامی کیش!**